



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

Responsibilities of the Islamic Government in Achieving People-Centric Governance with Emphasis on the Iranian Islamic Progress Model

Seyyed Kazem Seyyed Bagheri

Associate Professor, Department of Politics, Research Center for Islamic Systems, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, I. R. Iran

Email: sbaqeri86@yahoo.com

Mohammad Nazari Poshtkahi

Assistant Professor, Department of Education, Zabol University of Medical Sciences, Zabol, I. R. Iran (Corresponding Author)

Email: nazarim3170@yahoo.com



Citation

Seyyed Bagheri, S. K. , Nazari Poshtkahi, M. (2025). Responsibilities of the Islamic Government in Achieving People-Centric Governance with Emphasis on the Iranian Islamic Progress Model, *Aeine Hokmrani*, 3(5), 321-349

[10.22034/ah.2026.2076347.1085](https://doi.org/10.22034/ah.2026.2076347.1085)

Type of Article: Research Article

Received: 30 July 2024

Revised: 14 January 2025

Accepted: 15 May 2025

Publish Online: 22 June 2025

Abstract

People-centric governance in the Islamic system is a necessary condition for the sustainability, effectiveness, and legitimacy of the Islamic government on the path to civilizational progress. This form of governance, based on the active, informed, and responsible participation of citizens and the institutionalized synergy between society and governing structures, encompasses foundations such as upholding citizen dignity, providing grounds for society to achieve a flourishing life (*Hayat Tayyiba*) ensuring comprehensive security, and guaranteeing political and social freedoms. The present research, employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, re-examines the sources of Islamic political thought and compares them with the framework of the Iranian Islamic Progress Model. The central research question is: Considering the necessary foundations for achieving people-centric governance and drawing on the document outlining the Iranian Islamic Progress Model, what are the responsibilities of the Islamic government in realizing that governance? The research hypothesis posits that, based on the core values of comprehensive security, legitimate political and social freedoms, the rule of law, upholding citizen dignity, and idealism grounded in a flourishing life (*Hayat Tayyiba*), the five areas of responsibility for the Islamic government in realizing people-centric governance are: institutional regulation, functional accountability, normative justice, meritocracy, and empowering citizens for comprehensive participation. Implementing these responsibilities will create the conditions for active and responsible public participation, functional accountability, political and social justice, and enhancing the legitimacy and effectiveness of the system.

Keywords

Islamic Government, Responsibility, Iranian Islamic Progress Model Document, People-Centric Governance, Justice





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال سوم / شماره ۵ / بهار و تابستان ۱۴۰۴
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

سید کاظم سید باقری

دانشیار گروه سیاست، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران
Email: sbaqeri86@yahoo.com

محمد نظری پشتکوهی

استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)
Email: nazarim3170@yahoo.com



استناد به این مقاله:

سید باقری، سید کاظم و نظری پشتکوهی، محمد (۱۴۰۴)، مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشریه آیین حکمرانی، ۳(۵)، ۳۲۱-۳۴۹
[doi 10.22034/ah.2026.2076347.1085](https://doi.org/10.22034/ah.2026.2076347.1085)

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

چکیده

حکمرانی مردم‌پایه در نظام اسلامی، شرط لازم برای پایداری، کارآمدی و مشروعیت دولت اسلامی در مسیر پیشرفت تمدنی است. این گونه از حکمرانی، بر پایه مشارکت فعال، آگاهانه و مسئولانه شهروندان و هم‌افزایی نهادمند میان جامعه و ساختارهای حاکمیتی است که زیرساخت‌های آن، حفظ کرامت شهروندان، فراهم‌سازی زمینه‌های دستیابی جامعه به حیات طیبه، تضمین امنیت همه‌جانبه و تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. پژوهش پیش رو، با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، منابع اندیشه سیاسی اسلام را بازخوانی و با چهارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مقایسه می‌کند. پرسش اصلی پژوهش، این است که باتوجه به زیرساخت‌های ضروری برای تحقق حکمرانی مردم‌پایه و بااستناد به سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مسئولیت‌های دولت اسلامی برای تحقق آن حکمرانی چیست. فرضیه پژوهش بر این تأکید دارد که بر اساس مبانی ارزشی امنیت همه‌جانبه، آزادی‌های سیاسی-اجتماعی مشروع، حاکمیت قانون، حفظ کرامت شهروندان و آرمان‌گرایی بر پایه حیات طیبه، پنج ساحت مسئولیت دولت اسلامی در راستای تحقق حکمرانی مردم‌پایه عبارتند از: تنظیم‌گری نهادی، کارکردی-پاسخگویی، هنجاری-عدالتی، شایسته‌گزینی و توانمندسازی شهروندان برای مشارکت فراگیر. اجرای این مسئولیت‌ها، زمینه تحقق مشارکت فعال و مسئولانه مردم، پاسخگویی کارکردی، عدالت سیاسی و اجتماعی و ارتقای مشروعیت و کارآمدی نظام را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

دولت اسلامی، مسئولیت، سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، حکمرانی مردم‌پایه، عدالت.



بیان مسئله

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برآمده از ارزش‌ها و فرهنگ غنی اسلامی است و مفاهیمی چون عدالت، آزادی و تلاش برای تحقق حیات طیبه و زندگی متعالی، روح حاکم بر آن را شکل می‌دهند. باین حال آنچه از اهمیتی اساسی و راهبردی برخوردار است، چگونگی تحقق عملی مفاد این سند و اثرگذاری آن بر زندگی سیاسی و اجتماعی شهروندان و جامعه اسلامی است. تحقق این هدف، نیازمند مشارکت فعال تمامی اقشار جامعه، شهروندان، احزاب، گروه‌ها و نهادها به‌ویژه دولت اسلامی است. از آنجاکه بخش عمده قدرت سیاسی در ساختار کشور، در اختیار دولت و حاکمیت قرار دارد، بررسی نقش و عملکرد دولت در فرایند اجرای سند، با رویکرد حکمرانی مردم‌پایه، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

ازسوی دیگر یکی از مفاهیم بنیادین و محوری سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مردم‌محوری و مردم‌داری است؛ به‌گونه‌ای که در آن، شرایط و الزامات حکمرانی نوین موردتوجه قرار گرفته و اعمال قدرت، تنها به‌صورت سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین تعریف نمی‌شود، بلکه بر پایه روابط متعاملانه، شبکه‌ای و مشارکت‌جویانه است. در چنین چهارچوبی، مشارکت فعال سیاسی شهروندان در اداره امور جامعه و نیز نظارت مردمی بر حاکمیت سیاسی، جایگاهی برجسته و تعیین‌کننده می‌یابد. ازاین‌رو بایسته است ظرفیت‌ها، ابعاد و نقش دولت اسلامی در زمینه تقویت مشارکت سیاسی شهروندان و تحقق نظارت مردمی، به‌طور دقیق و نظام‌مند، تحلیل و بررسی شود.

پرسش بنیادین پژوهش، بر این محور است که مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه چیست و چگونه باتکیه بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌توان زمینه‌های عملیاتی این نوع حکمرانی را در جامعه فراهم کرد. فرضیه پژوهش براین مبنا استوار است که مبانی ارزشی پنج‌گانه شامل امنیت همه‌جانبه، آزادی‌های مشروع سیاسی - اجتماعی، حاکمیت قانون، حفظ کرامت شهروندان و آرمان حیات طیبه، پنج ساحت مسئولیت را برای دولت اسلامی در راه تحقق حکمرانی مردم‌پایه ترسیم می‌کنند: تنظیم‌گری نهادی، کارکردی - پاسخگویی، هنجاری - عدالتی، شایسته‌گزینی و توانمندسازی

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

شهروندان. عمل به این مسئولیت‌ها، بستر لازم را برای مشارکت فعال و مسئولانه مردم، پاسخگویی کارکردی، تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی و درنهایت ارتقای مشروعیت و کارآمدی نظام فراهم می‌کند. از این رو حکمرانی مردم‌پایه نه تنها انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی را تضمین می‌کند، بلکه بستر تحقق اهداف تمدنی و ارتقای کیفیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را هم فراهم می‌کند.

در این باره پژوهش‌هایی انجام شده است که به دو مورد آن اشاره می‌شود:

مقاله «نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» (سیدباقری و مرعشی، ۱۴۰۳) که نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی را در اجرای عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

مقاله «شناسایی ابعاد حکمرانی خوب برای سازمان‌های عمومی ایران با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی با استفاده از روش فراترکیب» (جوانمرد و همکاران، ۱۴۰۴)، با رویکرد اسلامی - ایرانی و روش فراترکیب، ابعاد حکمرانی خوب در سازمان‌های عمومی ایران را شناسایی کرده است. نتایج نشان‌دهنده معیارهایی چون اخلاق‌گرایی، عدالت، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و مهار فساد به‌عنوان شاخص‌های کلیدی است.

از آنجاکه در حوزه مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه، پژوهش‌های نظام‌مند اندکی انجام شده است، نوآوری این مقاله در طراحی چهارچوبی مفهومی - تحلیلی برای تبیین این مسئولیت‌هاست. مقاله با شناسایی ساحت‌های متنوع حکمرانی و اتکاب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، زیرساخت‌های تحقق حکمرانی مردم‌پایه و مسئولیت‌های دولت اسلامی را در پنج ساحت تنظیم‌گری نهادی، پاسخگویی کارکردی، عدالت‌محوری هنجاری، شایسته‌گزینی حکمرانی و توانمندسازی اجتماعی، به‌صورت بومی صورت‌بندی کرده است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و از راه مطالعه تطبیقی و رفت‌وبرگشتی میان سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و منابع اندیشه سیاسی اسلام، به تبیین الزامات نظری و عملی تحقق حکمرانی مردم‌پایه در دولت اسلامی پرداخته و ابعاد مختلف آن را در راه استقرار

مردم‌سالاری دینی و پیشرفت تمدنی ایران اسلامی واکاوی کرده و به بررسی مبانی نظری این الگو، اصول حکمرانی مردم‌پایه در اندیشه اسلامی و سازوکارهای عملیاتی کردن این اصول در حوزه اقدامات دولت می‌پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۱. دولت اسلامی

اصطلاح دولت در علوم سیاسی، کمابیش به دو مفهوم متمایز، ولی مرتبط باهم گفته می‌شود: گاهی به مجموعه خاصی از «افراد و حاکمان» گفته می‌شود؛ در این معنا دولت، مترادف با حکام و کسانی است که قانون را وضع، اعلام و اجرا می‌کنند. گاهی هم دولت به مجموعه خاصی از «نهادهای برتر» گفته می‌شود، بالحاظ هر دو مفهوم پیش گفته، دولت مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائقه در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند (رنی، ۱۳۷۴، ص ۱۳). ماکس وبر در تعریف دولت می‌گوید: «دولت یعنی کاربرد انحصاری زور یا قدرت مشروع در هر جامعه» (Weber, 1978, p.102).

مراد از دولت اسلامی، دولتی است که به آموزه‌ها و ارزش‌های دینی پایبند است و اجرای شریعت را وظیفه خود می‌داند. این دولت، توحیدی، آزادی‌گرا و در خدمت مردم است و جریان قدرت در آن، بر اساس قوانین معلوم و مشخص شریعت است (تیجانی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۱-۱۱۴). به بیان دقیق‌تر دولت اسلامی، دولتی است که نه تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین تعیین و تعریف می‌شود، بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به‌طورکلی، ساختار نظام سیاسی و روش‌های مدیریت امور عمومی جامعه نیز به‌وسیله دین بیان می‌شود (فیرحی، ۱۳۷۸، ص ۲۴). در نتیجه دولت اسلامی، دولتی است که با پایبندی به احکام و ارزش‌های الهی، می‌کوشد تا عدالت اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی را در جامعه فراگیر کند.

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۱-۲. حکمرانی اسلامی مردم‌پایه

اصطلاح حکمرانی، به عملکرد یا رفتار حاکمیتی دلالت داشته و همچنین به مهار حکومت‌رانی نیز توجه می‌کند. حکمرانی، به رابطه حاکمان و حکومت‌شوندگان و دولت و مردم، نیز راهبری می‌کند (Malik, 2018, p.11). برخی دیگر تأکید دارند که در حکمرانی، حکومت تنها یکی از بازیگران چرخه زمامداری به‌شمار می‌رود. شرکت‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات پژوهشی، رهبران مذهبی، احزاب، نهادهای نظامی و امنیتی، از دیگر کنشگران و بازیگران در فرایند حکمرانی هستند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۶). حکمرانی مردم‌پایه اسلامی، الگویی از اداره جامعه است که در آن، مردم در چهارچوب ارزش‌ها، احکام و مصالح اسلامی، صاحبان اصلی حاکمیت و کنشگران فعال در تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت‌اند. در این الگو، دولت نهادی پاسخگو، شفاف و عدالت‌محور است و اعمال قدرت از راه سازوکارهای مشارکتی و نظارت‌پذیر و با همکاری شبکه‌ای دولت و نهادهای اجتماعی در جهت تحقق خیر عمومی و کرامت انسانی سامان می‌یابد.

۱-۳. سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بر پیشرفت همه‌جانبه همراه با عدالت و معنویت تأکید دارد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جایگزین الگوهای غربی یا شرقی توسعه است که اغلب بر مادی‌گرایی و جداانگاری دین از زندگی تکیه دارند. این الگو با تأکید توأمان بر «مادیت و معنویت»، «پیشرفت و عدالت» و «هویت و نوآوری»، در پی ارائه راه سوم و بومی برای ساختن آینده‌ای درخشان بر اساس داشته‌های تمدنی ایران و اسلام است.^۱

۲. زیرساخت‌های لازم برای تحقق حکمرانی مردم‌پایه

در توسعه، معنای گذار از وضعیتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامطلوب به وضعیت

۱. فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۲.

آدرس: <https://khl.ink/f/40693>

مطلوب وجود دارد که در آن، انسان توانایی بیشتری در مهار سرنوشت و زندگی خود دارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۸۷، ص ۲۱). با رویکرد حکمرانی مردم‌محور پیشرفت، فرایند حکمرانی در بستر جغرافیای فکری و فرهنگی ویژه هر جامعه جریان می‌یابد و نمی‌تواند از ارزش‌ها، هنجارها و ایستارهای بومی آن گسسته باشد. ایران به‌عنوان کشوری اسلامی، دارای سازه‌های ارزشی و بومی متمایز است. باتکیه بر زیرساخت‌های فکری و نرم‌افزاری اندیشه اسلامی که سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر آنها استوار است، زمینه تحقق مشارکت سیاسی پویا و نظارت مؤثر مردمی فراهم می‌شود؛ امری که بخش مهمی از تحقق و نهادینه‌سازی آن برعهده دولت اسلامی است. در ادامه، برخی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها بررسی می‌شود.

۱-۲. بایستگی حفظ کرامت شهروندان

در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یکی از مفاهیمی که مورد توجه و افری قرار گرفته، کرامت انسانی است. این اصل در «مبانی انسان‌شناختی» و در «چهارچوب مفهومی نظری پیشرفت» (بخش معنویت) از «اصالت دادن به کرامت انسانی و فراهم کردن زمینه‌های مطلوب رشد و شکوفایی معنوی» بحث کرده است. همچنین در بخش آرمان‌ها و در افق و در بخش تدابیر سند، تقویت نظام مواسات، تکافل عمومی و پاسداشت کرامت انسانی نیازمندان، طرح شده است. این بسامد نشان از آن دارد که حفظ کرامت شهروندان در بخش‌های متعدد نظری و عملی و دورنمای سیاست‌ها و برنامه‌های نظام اسلامی، مورد توجه است.

از نگاه منابع دینی، یکی از ضروری‌ترین حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان، حفظ کرامت آنان است که همه را دربرمی‌گیرد. از این رو خداوند در قرآن کریم تصریح کرده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰).

کرامت، عبارت است از حق رعایت عزت نفس آدمی. به تعبیر دقیق‌تر «کرامت، حقی است بنیادین، مطلق و آمیخته با تکلیف که موضوع آن، نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نمی‌باشد» (جعفری تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۷-۲۹۶) و مراد از حفظ

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

کرامت انسانی، بزرگداشت انسان و نگاه‌داشتن حرمت و اهمیت‌دادن به شرافت و حقوق اوست. لازمه کرامت انسان از نگاه قرآن کریم، در حق حیات، حق آزادی، حق تدبیر و حق برخورداری عادلانه از امتیازات اجتماعی است و هیچ کس حق ندارد کرامت انسان و پیامدهای آن را مورد آسیب یا تهدید قرار دهد (یدالله‌پور و مؤدب، ۱۳۹۳، ص ۸۵) در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام، رفتارها، تصمیم‌ها و سخنان اخلاقی گوناگونی برای حفظ کرامت مردم به چشم می‌خورد تا مناعت طبع و عزت‌نفس شهروندان حفظ شود. برای نمونه آن حضرت دیگران را از تملق و چاپلوسی نهی می‌کردند؛ چراکه ویرانگر عزت و کرامت انسان است. از این‌رو به کارگزار خود، این‌گونه هشدار می‌دهد:

وَإِيَّاكَ وَالْأَعْجَابَ بِنَفْسِكَ، وَالثَّقَّةَ بِمَا يَفْجُوكَ مِنْهَا، وَحُبَّ الْأَطْرَاءِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بپرهیز از آنکه خودپسند باشی و آنچه که تو را به غرور و اعجاب وادارد و نیز دوستدار ستایش و چرب‌زبانی دیگران نباش.

در چهارچوب حکمرانی مردم‌پایه اسلامی، همه رفتارها، سیاست‌ها و گفتارها باید به‌گونه‌ای سامان یابد تا حفظ کرامت انسانی به‌عنوان یک اصل بنیادین تضمین شود. از دیدگاه اسلام، چاپلوسی شهروندان و تکبر و خودبزرگ‌بینی حاکمان، امری ناپسند و مردود است؛ زیرا تملق و خودپسندی، شأن انسانی را تضعیف کرده و روابط اجتماعی و سیاسی را از راه اخلاقی خارج می‌کند. بر همین اساس نظام حکمرانی اسلامی، موظف است شرایطی فراهم آورد تا رفتار و عملکرد کارگزاران قدرت، زمینه مشارکت آزادانه، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی فراهم کند. شهروندان بایستی بتوانند بدون ترس و اجبار، بر اعمال قدرت نظارت داشته باشند و دیدگاه‌های خود را بیان کنند. چنین رویکردی، ضمن پاسداری کرامت انسانی، به تحقق عدالت اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و تقویت مشروعیت نظام حکمرانی می‌انجامد.

۲-۲. برجستگی دستیابی جامعه به حیات طیبه

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بیان‌شده در سند الگوی نظام اسلامی، تحقق «حیات طیبه» در جامعه است که به‌عنوان بنیادی‌ترین ارزش نظام و شرط اساسی نیل انسان به مراتب

«عبودیت» و «خلافت الهی» بیان می‌شود. از دیدگاه حکمرانی، تحقق این غایت کلان، زمینه ارتقای شاخص‌های پیشرفت انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کند و به نهادینه‌سازی ارزش‌هایی چون تقوا، کرامت انسانی، سلامت جسمی و روانی، عقلانیت، عدالت فراگیر، آزادی مسئولانه، قانون‌مداری، همبستگی اجتماعی، امنیت همه‌جانبه و آبادانی پایدار می‌انجامد. افزون‌براین سند الگو با تأکید بر توأمانی رشد مادی و معنوی، تأمین عادلانه امکانات مادی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای دستیابی همگانی به آنها را از الزامات اساسی تحقق حیات طیبه می‌داند (بند ۱۱ اصول عملی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت).

در قرآن کریم آمده است که اجابت دعوت خدا و رسول ﷺ (انفال: ۹)، ایمان و عمل صالح (نحل: ۹۷)، شکوفایی زندگی همراه با نور ایمان (انعام: ۱۲۲) انسان را به سوی حیات طیبه می‌برد. دولت اسلامی برای دستیابی به اهداف حیات طیبه، دارای دو کارویژه مهم و اساسی است: نخست ترویج ارزش‌ها و احکام و حدود الهی در جهت کمال و سعادت انسان؛ دوم تنظیم امور اجتماعی و رفع تراحم ایجادشده میان نیازها و منافع انسان در جامعه (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

به بیان دیگر حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل، علم، آرامش روحی، آسایش مادی، امنیت محیط زندگی، رفاه و شادکامی، رحم، خلقیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی و تکامل معنوی و عروج روحی انسان و معنویت است.^۱ در الگوی حکمرانی اسلامی مردم‌پایه، تحقق ارزش‌های بنیادینی چون حیات طیبه و ایجاد زمینه‌های عینی دستیابی جامعه به آن، نیازمند مشارکت فعال، آگاهانه و مسئولانه شهروندان در تمامی مراحل حکمرانی است. در این چهارچوب، مردم تنها مخاطبان سیاست‌ها نیستند، بلکه کنشگران اصلی عرصه عمومی به‌شمار می‌آیند که نسبت به سرنوشت جمعی جامعه حساس بوده و احساس تعهد اجتماعی دارند. مشارکت مؤثر در تصمیم‌سازی‌های عمومی و نظارت نهادمند بر عملکرد کارگزاران قدرت، از ارکان اساسی این الگوست. حکمرانی مردم‌پایه با تقویت نقش مردم در مهار و هدایت قدرت سیاسی، زمینه پیشگیری

۱. سخنرانی تلویزیونی رهبری به مناسبت عید مبعث، در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۲. آدرس: <https://khl.ink/f/47510>

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

از انحراف قدرت، تحقق عدالت، ارتقای کارآمدی نظام حکمرانی و افزایش اعتماد و رضایت‌مندی عمومی را فراهم می‌کند.

۲-۳. تضمین امنیت همه‌جانبه شهروندان

یکی از وظایف دولت اسلامی تأمین، تضمین و گسترش امنیت در زمینه‌های گوناگون است که در سند الگو، دارای توجه اکید بوده است. بخشی جداگانه از چهارچوب مفهومی به «سیاست و امنیت» اختصاص یافته و در آن از «امنیت همه‌جانبه» بحث شده است. در بند ۴۷ تدابیر، «تأمین امنیت و دفاع همه‌جانبه و مردم‌محور» مورد توجه قرار گرفته است و در بخش اجتماع، چهارچوب مفهومی سند نیز بر «احساس امنیت اجتماعی» تأکید شده است. امنیت به این معناست که شهروندان جامعه نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود هیچ‌گونه اضطراب و هراسی نداشته باشند و بتوانند با اطمینان خاطر و آسایش زندگی کنند (حسین‌پور، ۱۳۸۳، ص ۵۵). امنیت همه‌جانبه، به مفهوم ایمنی و آسایش آحاد جامعه بر اساس ایمان و تحقق محیطی امن بر مبنای عدالت، در راستای نیل به حیات طیبه است. خداوند در قرآن، امنیت را از اهداف استقرار حکومت الله و جانشینی صالحان (بقره: ۱۲۶) معرفی کرده است. در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است که «إِنِّي لَمْ أَوْمَرْ أَنْ أَنْقَبَ عَنِ قُلُوبِ النَّاسِ؛ من امر نشده‌ام تا از قلب‌ها و (امور پنهان)، مردم تفتیش کنم» (جزری، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱). امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در نهج البلاغه می‌فرماید «إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)؛ مردم ناچار باید زمامدار و حاکمی چه خوب و چه بد، داشته باشند تا در سایه قدرت او امنیت راه‌ها تضمین شود. در روایتی از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است که مؤمن سراسر وجودش حرمت است: حرمت آبرو، مال و جان او (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۶۰). التزام به مفاد این معارف، به جامعه امنیت و احساس آرامش می‌بخشد.

در الگوی حکمرانی اسلامی مردم‌پایه، تحقق ارزش‌های بنیادینی همچون حیات طیبه و فراهم‌سازی زمینه‌های عینی دستیابی جامعه به آن، نیازمند مشارکت فعال، آگاهانه و مسئولانه

شهروندان در تمامی مراحل حکمرانی است. در این چهارچوب، مردم تنها مخاطبان سیاست‌ها نیستند، بلکه کنشگران اصلی عرصه عمومی به‌شمار می‌آیند که نسبت به سرنوشت جمعی، حساس بوده و احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی دارند. مشارکت مؤثر در تصمیم‌سازی‌های عمومی، اعمال نظارت نهادمند بر کارگزاران قدرت و همکاری شبکه‌ای با نهادهای حکومتی، از ارکان اساسی این الگوست. حکمرانی مردم‌پایه با تقویت نقش مردم در کنترل و هدایت قدرت سیاسی، زمینه پیشگیری از انحراف قدرت، تحقق عدالت، ارتقای کارآمدی نظام و افزایش اعتماد و رضایت‌مندی عمومی را فراهم می‌کند.

۲-۴. ضمانت آزادی‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان

در حکمرانی مردمی، آزادی بر پایه آیه «وَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) به معنای رهایی انسان از بندهای تحمیلی، سلطه ناعادلانه و محدودیت‌های غیرالهی است تا اراده آگاهانه مردم در چهارچوب هدایت الهی تحقق یابد. یکی از مهم‌ترین گونه‌های آزادی به‌عنوان حق اساسی انسان، آزادی سیاسی و اجتماعی است؛ آزادی‌هایی چون آزادی اندیشه، آزادی بیان و قلم و رسانه‌های گروهی، آزادی نقد، حق برپایی اجتماعات و تظاهرات، حق رأی و انتخابات آزاد، حق انتخاب مسکن، شغل و سفر، و نیز حق - و البته تکلیف - امر به معروف و نهی از منکر (اصل ۸ قانون اساسی)، از جمله در قبال حاکمان و مسئولان حکومت. این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه و تأکید قرار گرفته‌اند (اصول ۲۴، ۲۵ و ۲۷ قانون اساسی). بر اساس اصل سوم، یکی از وظایف حکومت اسلامی برای دستیابی به اهداف اصل پیشین، «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» بر شمرده شده است. همچنین مطابق اصل نهم «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند» (قانون اساسی اصل ۹). با رویکرد حکمرانی مردم‌پایه، این اصل بنیادین در بخش سیاست و امنیت سند الگو با مسئله «تضمین حقوق و آزادی‌های مصرّح در قانون اساسی» مورد تأکید قرار گرفته و در همین بخش، «تضمین حقوق و آزادی‌های سیاسی» و نیز در بند

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۴۰ تدابیر، بحث از تضمین آزادی‌ها به مثابه پیش شرط مشارکت مؤثر مردم در تصمیم‌سازی و نظارت عمومی طرح شده است.

از دیگر سو آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در منظومه حکمرانی مردم‌پایه، نه تنها امتیاز اعطایی، بلکه از ارکان بنیادین تحکیم، پایداری و بازتولید مشروعیت نظام سیاسی به‌شمار می‌روند. در چهارچوب حکمرانی اسلامی مردم‌محور، برخورداری شهروندان از آزادی‌های مشروع و قانونی، افزون بر حق مسلم، راهبردی اساسی برای مدیریت عقلانی نارضایتی‌های اجتماعی، پیشگیری از انباشت خشم عمومی و کاهش شکاف میان جامعه و حاکمیت است؛ نارضایتی‌هایی که بیشتر ناشی از بی‌توجهی به مطالبات عمومی، ناکارآمدی یا تبعیض‌های واقعی و ادراکی هستند. گسترش آزادی‌های مدنی، التزام عملی به مردم‌سالاری دینی و تضمین مشارکت سیاسی، نشان اعتماد نظام به مشروعیت، کارآمدی نهادی و پشتوانه مردمی است و در اسناد بالادستی، از جمله قانون اساسی و سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پیش شرط امنیت پایدار و انسجام اجتماعی برشمرده شده است. از این منظر امام خمینی ره، آزادی را موهبتی الهی و حق طبیعی مردم می‌داند و تأکید دارد اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون، خدا، اسلام و قانون اساسی آزادی داده به مردم (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۰۶).

تحقق مؤثر وظیفه نظارتی مردم‌پایه، نیازمند وجود فضای آزاد، امن، شفاف و پاسخگو در جامعه است؛ فضایی که در آن، انتقاد از مسئولان، نه تهدید، بلکه نشانه پویایی سیاسی، بلوغ اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان در حکمرانی باشد. از دیدگاه حکمرانی اسلامی، ایجاد بسترهای نهادمند برای گفتگوی آزاد، نقد علمی، گردش اطلاعات و حضور فعال و نقادانه مردم در تصمیم‌سازی و نظارت عمومی ضروری است. شنیدن صدای نخبگان، کارشناسان و منتقدان، وظیفه‌ای ساختاری برای حاکمیت است تا با بهره‌گیری از آن، خط‌مشی‌ها اصلاح، کارآمدی افزایش و عدالت و اعتماد اجتماعی ارتقا یابد؛ رویکردی هم‌سو با اهداف کلان سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه سیاست، امنیت و سرمایه اجتماعی.

۳. ساحت‌های مسئولیت دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه

یکی از ارکان بنیادین تحقق عدالت در حکمرانی اسلامی، مشارکت فعال، آگاهانه و فراگیر شهروندان در امور عمومی و ایجاد هم‌افزایی نهادمند میان جامعه و ساختارهای حاکمیتی است. در چهارچوب سیاست و امنیت سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، «مشارکت سیاسی فراگیر» و «نظارت مردمی» به‌عنوان عناصر کلیدی پیشرفت پایدار جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این دو مؤلفه، با تقویت پاسخگویی، شفافیت و کارآمدی حکمرانی، بنیان‌های عدالت سیاسی را مستحکم می‌کنند. حاکمیت، موظف است حقوق سیاسی شهروندان، گروه‌ها و احزاب قانونی را به رسمیت بشناسد، موانع مشارکت برابر و آزاد را برطرف کند و زمینه حضور فعال مردم در تصمیم‌سازی، نقد حاکمان و نظارت مستمر را فراهم آورد. حمایت از اجتماعات و سازوکارهای مشورتی سازگار با مصالح عمومی، ایجاد بسترهای حقوقی، نهادی و فرهنگی، عدالت سیاسی و آرامش اجتماعی را تضمین می‌کند.

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق مشارکت سیاسی و نظارت مردمی، در پنج ساحت تنظیم‌گری نهادی، کارکردی پاسخگویی، هنجاری عدالت‌محور، شایسته‌گزینی حکمرانی و توانمندسازی اجتماعی، به صورت طولی و مکمل تحقق می‌یابد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۳. مسئولیت در تنظیم‌گری نهادی

در چهارچوب حکمرانی مردم‌پایه، مسئولیت مفهومی صرفاً تعهدآور نیست، بلکه به خودی خود با «بازخواست» و «پرسش‌گری» عمومی گره خورده است. براین اساس صاحب مسئولیت در قبال کنش‌ها، تصمیم‌ها و پیامدهای عملکرد خود، علاوه بر پاسخگویی در پیشگاه خداوند و وجدان فردی، در برابر مردم نیز مکلف به توضیح و پاسخ است. این برداشت از مسئولیت، در منطق حکمرانی اسلامی مردم‌پایه، بنیان شکل‌گیری سازوکارهای نهادی تنظیم‌گر پاسخگویی، شفافیت و نظارت مردمی را فراهم می‌کند. قرآن کریم در این باره به روشنی بیان می‌کند که «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶)؛

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بدین معنا که حتی قوای ادراکی انسان نیز در معرض پرسش و مواخذه قرار می‌گیرند. زمخشری در تفسیر این آیه می‌نویسد که از انسان پرسش می‌شود «لَمْ سَمِعْتَ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ سَمَاعُهُ، وَلَمْ نَظَرْتَ إِلَىٰ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ النَّظَرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ عَزَمْتَ عَلَىٰ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ الْعَزْمُ عَلَيْهِ»؛ چرا چیزی را شنیدی که بر تو حلال نبود و به چیزی نگاه کردی که بر تو روا نبود و حتی عزم و اراده بر کاری کرد که بر تو حلال نبود» (زمخشری، ۱۴۰۷، ص ۶۶۶).

براین اساس مسئولیت، مفهومی است که از خودپاسخگویی آغاز می‌شود؛ چنانکه هر انسان، در هر مرتبه‌ای که قرار دارد، باید پیش از هر چیز از خود بپرسد که رفتار، گفتار و تصمیم‌گیری او بر پایه عقلانیت و پرهیزگاری بوده یا متأثر از خودخواهی، شهوات و اغراض شخصی.^۱ از این نگاه «هر مسئولیتی، هر سِمَتی، هر توانایی‌ای، در کنارش یک مسئولیتی دارد».^۲ این برداشت، زمینه انتقال مفهوم مسئولیت از سطح فردی به سطح نهادی را فراهم می‌کند.

در منطق تنظیم‌گری نهادی، مسئولیت‌پذیری به این معناست که کارگزاران، نه تنها در سطح اخلاقی، بلکه در قالب سازوکارهای رسمی و قابل‌ارزیابی، در برابر عملکرد خود پاسخگو باشند. در همین راستا امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمان حکمرانی به مالک‌اشتر، بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نهادی برای پاسخگویی در برابر مردم تأکید کرده و می‌فرماید: «برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هرکاری به آن پردازی. برای دیدار با ایشان، به مجلس عام بنشین؛ مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان دور شوند تا سخنگوی‌شان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگوید که من از رسول‌الله صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می‌فرمود: «لَنْ تُفَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِتٍ؛ پاک و آراسته نیست امتی که در آن، زبردست نتواند بدون لکنت، زبان حق خود را از قوی دست بستاند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این بیان، به روشنی بر ضرورت نهادمندسازی امکان

۱. بیانات رهبری در دیدار با اқشار مختلف مردم، در تاریخ ۱۳۸۳/۰۱/۲۶. آدرس: <https://khl.ink/f/3228>

۲. بیانات رهبری در ابتدای جلسه درس خارج فقه، در تاریخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۰. آدرس: <https://khl.ink/f/44293>

مطالبه‌گری و پاسخگویی دلالت دارد.

در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز مفهوم مسئولیت و مسئولیت‌پذیری در سطوح مختلف، به صورت نظام‌مند مورد توجه قرار گرفته است. در مبانی انسان‌شناختی، از «آزادی مسئولانه» سخن به میان آمده و در مبانی جامعه‌شناختی، مسئولیت اعضای جامعه برجسته شده است. در بخش «علم» و به‌ویژه در بند ۷ تدابیر، بر پرورش نیروهای انسانی خلاق و مسئولیت‌پذیر تأکید شده و در اصول عملی سند، «مسئولیت‌پذیری» به‌صراحت آمده است. افزون‌براین در بند ۴۳ تدابیر، «نهادینه‌سازی پاسخگویی مسئولان» به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی حکمرانی، به‌روشنی آمده است. از این منظر مسئولیت‌پذیری در حکمرانی اسلامی، تنها یک فضیلت اخلاقی فردی نیست، بلکه مبنای تنظیم‌گری نهادی پاسخگویی در ساختار قدرت به‌شمار می‌آید؛ تنظیم‌گری‌ای که هدف آن، تبدیل تعهد اخلاقی به سازوکارهای پایدار و قابل نظارت است.

مجموع این تأکیدات ناظر به شکل‌گیری فرهنگی نهادی در حکمرانی مردم‌پایه است که در آن، کارگزاران دولت اسلامی، نظارت شهروندان را نه امری تحمیلی، بلکه حقی مشروع و ضرورتی بنیادین دانسته و زمینه مطالبه، تحقق و تسهیل آن را فراهم می‌کند. در این چهارچوب، پاسخگویی در برابر نقد، ارزیابی و چالش‌های برخاسته از مطالبات مردمی به یک قاعده حکمرانی بدل می‌شود. تقویت مسئولیت‌پذیری کارگزاران و استقرار سازوکارهای نهادی پاسخگویی، مشارکت فعال مردم، نظارت مؤثر و هم‌افزایی اجتماعی میان دولت و جامعه را ارتقا می‌بخشد و با تعمیق مشارکت سیاسی و نقد سازنده، به بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت مشروعیت نظام سیاسی می‌انجامد.

۲-۳. مسئولیت کارکردی - پاسخگویی

یکی از حقوقی که در تعیین قلمرو آزادی سیاسی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته، حق نظارت است. نظارت، فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و نتیجه این مقایسه، تصویری روشن از تشابه یا

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تمایز میان این عوامل فراهم می‌آورد که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد (دلوری، ۱۳۸۱، ص ۷۶). در فرایند نظارت، ارزیابی مستمر برای تطبیق رفتار و عملکرد افراد با معیارهای نظام وجود دارد (سیدباقری، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴). به بیان دیگر نظارت، راهبر جامعه و نظام سیاسی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است.

دولت اسلامی در ساحت کارکردی - پاسخگویی موظف است با ایجاد بسترهای ساختاری، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم، فضایی مناسب برای اجرایی کردن نظارت سیاسی - اجتماعی مردمی فراهم کند؛ سازوکاری اصلاح‌گر که ریشه‌ای قرآنی دارد و در قالب امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌گری می‌کند (آل‌عمران: ۱۱۰ و ۱۱۴ / اعراف: ۱۵۷ / توبه: ۷۱ و ۱۱۲ / حج: ۴۱ / لقمان: ۱۷). قرآن کریم، خاموشی عالمان در برابر فساد ظالمان را از سبب‌های نابودی اقوام پیشین می‌شمارد و گوشه‌گیری دانشمندان را نکوهش می‌کند؛ زیرا آنان از موقعیت قدرت برای جلوگیری از فساد بهره نبرده‌اند (هود: ۱۱۶). بر همین اساس تأکید می‌شود که حاکمان الهی باید با قدرتی که خداوند به آنان می‌دهد، امر به معروف و نهی از منکر را تحقق بخشند: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم ... به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند» (حج: ۴۱).

مرحوم نائینی در تحلیل تاریخ صدر اسلام بیان می‌کند که استحکام اصل نظارت چنان بود که حتی خلیفه ثانی به واسطه یک پیراهن که از حله یمانیه بر تن داشت، در فراز منبر مورد استیضاح قرار گرفت و با ارائه توضیح و حل مشکل، اعتراض مردم برطرف شد (نائینی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). امام خمینی رحمته‌الله نیز بر مسئولیت همه مردم در نظارت بر یکدیگر و جامعه تأکید می‌کند: «ملت خودش کار بکند؛ هم خودش عملی را که می‌خواهد انجام بدهد، خوب انجام دهد و هم به رفیقش بگوید خوب انجام دهد، هم به جامعه ... همه مسئولیم در مقابل ملت و مسئولیم در مقابل خودمان. خودم را اصلاح کنم، دیگران را هم اصلاح کنم، به هر مقداری که می‌توانید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۳).

برای اجرایی شدن اصل نظارت و ایجاد ساختارهای لازم، امام خمینی رحمته‌الله بر تشکیل سازه‌ای مردم‌نهاد و غیروابسته به حکومت تأکید داشت تا فرایند اعمال قدرت و عملکرد دولت،

تحت نظارت مستقل قرار گیرد: «ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل، بدون پیوستگی به دولت، با یک همچنان وزارتخانه‌ای که تأسیس خواهد شد، ان شاء الله، مبارزه با فساد می‌کنیم» (همان، ص ۲۷۴). ایشان استقلال این اداره و عدم مداخله اعضای دولت در فعالیت آن را ضروری می‌دانست (همان، ص ۲۱۳).

با توجه به جایگاه بنیادین نظارت در حکمرانی اسلامی مردم‌پایه در «اصول و مبانی عملی الگو»، بر هدایت اجتماعی و فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در قالب نصیحت مشفقانه و مسئولانه کارگزاران نظام، تأکید شده و در بخش تدابیر، نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و سطوح مدیریتی به‌صورت روشن تبیین شده است (سند الگو، بند ۴۳ تدابیر). مسئولیت دولت در ساحت کارکردی پاسخگویی، فعال‌سازی مستمر سازوکارها و نهادهایی است که امکان پاسخگویی مؤثر به مردم را فراهم می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و مدیریت در معرض ارزیابی عمومی قرار گرفته و دولت نسبت به بازخوردهای مردمی واکنش اصلاحی و شفاف نشان دهد. این رویکرد، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم را تعمیق، اعتماد عمومی را تقویت و کیفیت حکمرانی و مشروعیت نظام را ارتقا می‌بخشد. در حکمرانی مردم‌محور، پیوند دوسویه میان نظارت و پاسخگویی، مسئولیت دولت را به فرایندی عملیاتی، مستمر و مردم‌پایه تبدیل می‌کند.

۳-۳. مسئولیت در ساحت هنجاری - عدالتی

بر اساس منطق حکمرانی اسلامی و با الهام از سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت به‌عنوان مفهومی محوری در تمامی عرصه‌ها قلمداد می‌شود. تکرار بیش از ۴۵ باره این واژه در سند، گویای اهمیت بنیادین آن است که راهبرد اصلی اصول، آرمان‌ها و تدابیر سند را به‌سمت تحقق عدالت در گام دوم انقلاب هدایت کرده است. در مبانی عملی، عدالت به‌مثابه ارزش اساسی اجتماعی و عدالت‌مداری و مبارزه با ظلم، فساد و تبعیض به‌عنوان وظیفه عمومی و ویژه حاکمان تأکید شده است. در مبانی انسان‌شناختی، عدالت‌طلبی خصیصه ذاتی انسان و در مبانی جامعه‌شناختی، عدالت‌محور حیات اجتماعی، زیربنای نظام

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اجتماعی، معیار سیاست‌ورزی و عامل ارتقای کیفیت زندگی معرفی شده است؛ به گونه‌ای که تحقق آن سبب فزونی نعمت، آبادانی، پایداری حکومت و وفاداری مردم می‌شود (بند دهم، مبانی جامعه‌شناختی).

در چهارچوب مفهومی نظری پیشرفت، بخشی تحت‌عنوان عدالت اجتماعی پیش‌بینی شده است که به معنای جعل حق برای مستحق، دادن حق به صاحب آن و قراردادن هر چیز در جای خود در همه عرصه‌ها، سطوح و ابعاد نظام اجتماعی است (بخش عرصه‌های پیشرفت، عدالت اجتماعی). سند، بر ضرورت فرهنگ‌سازی و ایجاد گفتمان عدالت، مطالبه و عزم ملی، اصلاح ساختارها و فرایندهای ناعادلانه و به‌کارگیری کارگزاران عادل در حکومت، به‌عنوان پیشران‌های اصلی تحقق عدالت تأکید دارد. نکته مهم آن است که دادگری، در عرصه سیاسی - اجتماعی، تنها با مشارکت فعال مردم محقق می‌شود؛ بدین معنا که نظارت عادلانه و نقد منصفانه مردم بر اجزای حاکمیت و احساس مسئولیت نسبت به امور جامعه، شرط اساسی حضور اجتماعی عدالت است.

عدالت از عوامل اصلی و بنیادین ماندگاری و ثبات نظام سیاسی اسلام است و بدون آن، حکومت بی‌ارزش بوده و در معرض هلاکت قرار می‌گیرد. زمامداری که به عدل عمل کند، خدای تعالی او را در حصار امن خود نگه می‌دارد و هرکه جور و ستم کند، به‌زودی هلاک می‌شود (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۳۴). امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت‌ورزی را مایه چشم‌روشنی زمامداران، نفوذ محبت آنان در بین مردم و استحکام حکومت می‌داند: «وَإِنَّ أَفْضَلَ فِرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). امام خمینی رهبر نیز حکومت را در صورتی دارای ارزش می‌داند که وسیله‌ای برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

در چهارچوب حکمرانی مردم‌پایه و بر اساس مبانی علمی، عدالت سیاسی در ساحت هنجاری - عدالتی، متضمن تأمین و تضمین حقوق اساسی شهروندان و گروه‌های سیاسی به‌وسیله دولت است. مسئولیت اصلی دولت، ایجاد زمینه‌های عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز برای مشارکت همگانی در انتخاب حکومت و حاکمان، دخالت در فرایندهای تصمیم‌سازی،

نظارت بر عملکرد حکومت و حضور در تشکلهای مدنی است. این عدالت، نه تنها رعایت حقوق قانونی، بلکه شرط اساسی مشارکت فعال و مسئولانه مردم در تعیین سرنوشت خویش و تضمین پایداری و مشروعیت نظام اسلامی است. بر اساس منطق و ادبیات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دولت موظف است با ساماندهی نهادها و تقویت پاسخگویی بر محور عدالت، امکان مشارکت مؤثر همه شهروندان را جدای از تمایزات طبقاتی، قومی یا جناحی فراهم کند. نبود عدالت سیاسی، بازتولید نابرابری و انحصار قدرت به وسیله اقلیتی خاص را به همراه دارد؛ بنابراین، دولت با مقابله با انحصار قدرت، رفع موانع ساختاری گروه‌های محروم و تضمین فرصت‌های برابر، برابری مشارکت و نظارت را محقق و مشروعیت، اعتماد عمومی و کیفیت حکمرانی را ارتقا می‌بخشد.

۳-۴. مسئولیت در شایسته‌گزینی

در ساحت شایسته‌گزینی حکمرانی، دولت اسلامی مسئول است تا با ساماندهی نظام‌مند گردش نخبگان و استقرار شایسته‌سالاری، عدالت و کارآمدی حکمرانی مردم‌پایه را صیانت و تثبیت کند. این ساحت، حافظ دستاوردهای ساحت‌های پیشین است؛ به گونه‌ای که نبود شایسته‌سالاری، به فرسایش عدالت سیاسی و تضعیف پاسخگویی نهادی می‌انجامد. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، به‌کارگیری شایستگان تنها الزام مدیریتی نیست، بلکه مبنای هنجاری حکمرانی عادلانه و مردم‌محور شمرده می‌شود. از این‌رو دولت، موظف است با معیارمندی انتصابات، جلوگیری از بسته‌شدن ساختار قدرت، شفاف‌سازی فرایندهای گزینش و تضمین گردش نخبگان در چهارچوب ارزش‌های اسلامی، پیوندی پایدار میان شایستگی، تعهد و مقبولیت اجتماعی را برقرار سازد؛ امری که به تقویت اعتماد عمومی، ثبات حکمرانی مردم‌پایه و پایداری نظام تصمیم‌گیری می‌انجامد.

شایسته‌سالاری، یکی از معیارهای کلیدی عدالت سیاسی در حکمرانی اسلامی است و تأمین آن، وظیفه‌ای اساسی برعهده دولت اسلامی به‌شمار می‌آید. فراهم آوردن زمینه حضور افراد شایسته در منابع و مصادر تصمیم‌گیری و امور اجرایی، بخش مهمی از مشارکت و

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نظارت مؤثر مردمی را تضمین می‌کند. اصل شایسته‌سالاری در بندهای متعدد سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد تأکید قرار گرفته و به‌ویژه در بخش «سیاست و امنیت»، عدالت و شایسته‌سالاری در کنار اصول دیگر، به‌عنوان از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه سیاسی پیشرفته معرفی شده است (بخش عرصه‌های پیشرفت، سیاست و امنیت) در نظام شایسته‌سالار، ضوابط و معیارها بر روابط، وابستگی‌های شخصی و ملاحظات جناحی تقدم دارند و گزینش کارگزاران بر پایه لیاقت، تخصص و تعهد انجام می‌شود.

این معنا در اندیشه علوی نیز به‌روشنی مورد تأکید است. آنجاکه امیرالمؤمنین علیه السلام، مالک‌اشتر را از سهل‌انگاری و خودرأیی در انتصاب‌ها برحذر می‌دارد: «در امور کارگزاران نیک بنگر و آنان را پس از آزمودن به کار گمار و نه با سهل‌انگاری و خودرأیی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در روایات، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری از عوامل زوال حکومت‌ها دانسته شده است؛ چنانکه آن حضرت می‌فرماید: «زوال الدّولِ باصطناع السّفلی؛ زوال دولت‌ها به‌واسطه به‌کارگیری افراد پست است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۲) و نیز «یستدلُّ علی إِدبارِ الدّولِ باریع ... تقدیم الاراذل و تأخیر الافاضل؛ مقدم داشتن افراد نالایق و کنارزدن شایستگان، نشانه انحطاط دولت‌هاست» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۳).

بر اساس رویکرد حکمرانی مردمی، مسئولیت دولت اسلامی فراتر از شعار بوده و نیازمند ایجاد سازوکارهای عینی و مشارکت‌جو بانه برای حضور شایستگان در عرصه سیاسی - اجتماعی است. نمی‌توان با تنگ کردن دایره انتخاب شهروندان و محدودسازی میدان مشارکت، به تحقق شایسته‌سالاری امید داشت؛ چراکه حذف صدا و نقش عالمان و صالحان، زمینه را برای تسلط «سفلگان» بر قدرت فراهم کرده و جامعه را به بن‌بست می‌کشاند. از این‌رو دولت اسلامی موظف است با مقابله با گروه‌گرایی، قومیت‌گرایی، فامیل‌محوری، هواپرستی و شخصیت‌زدگی، مسیر شایسته‌گزینی را از راه مشارکت گسترده و نظارت مردمی هموار کند. به‌همین سبب در بخش «مبانی و اصول عملی» سند الگو، شایسته‌سالاری با تأکید بر طهارت اقتصادی، ساده‌زیستی و امانت‌داری (اصول عملی سند، ۲۱) مورد توجه قرار گرفته و در بخش تدابیر نیز بر «واگذاری و پذیرش مسئولیت‌ها و

مدیریت‌ها بر پایه شایستگی» (تدبیر، ۴۱) تأکید شده است؛ امری که می‌تواند از شکل‌گیری «حلقه‌های بسته مدیریت» (تدبیر، ۴۱) جلوگیری کند. تحقق حکمرانی مردمی و تمدن اسلامی، در نهایت بدون صیانت دولت از شایسته‌سالاری در قدرت و تضمین نقش نظارتی و انتخاب آزادانه مردم امکان‌پذیر نخواهد بود.

۳-۵. مسئولیت در توانمندسازی شهروندان برای مشارکت فراگیر

در ساحت توانمندسازی اجتماعی به‌عنوان سطح تعمیق‌یافته حکمرانی مردم‌پایه، دولت اسلامی مسئول است با ارتقای نظام‌مند سرمایه مشارکتی جامعه، زمینه تعمیق و بازتولید مشارکت آگاهانه و پایدار شهروندان را فراهم کند. دولت در این سطح از صرف تنظیم‌گری و مهار، عبور کرده و با ایفای نقش توانمندساز و تسهیل‌گر، حکمرانی مردم‌پایه را از وابستگی به مداخله مستقیم دولت رها می‌کند. خروجی این ساحت، شکل‌گیری مردم به‌مثابه کنشگران آگاه حکمرانی است. توانمندسازی اجتماعی ناظر به آن است که مردم از «مخاطب سیاست» به «شریک حکمرانی» تبدیل شوند. از این‌رو دولت اسلامی موظف است ظرفیت‌های معرفتی، فرهنگی و مهارتی جامعه را برای مشارکت فعال در عرصه حکمرانی ارتقا دهد؛ چراکه مشارکت بدون توانمندسازی، به کنشی سطحی، گذرا و ناپایدار تقلیل می‌یابد. در ادبیات لغوی، مشارکت به معنای «شریک‌شدن و دخالت‌کردن» است (دهخدا، ۱۳۹۵، ص ۱۰) و در اصطلاح علوم سیاسی، بر رفتار اثرگذار بر نتایج حکومت دلالت دارد (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۲۰). به‌نوشته مایکل راش «مشارکت سیاسی یعنی درگیرشدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است» (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳). پذیرش و تحقق این حق، نقشی راهگشا در اداره امور جامعه دارد و در نهایت می‌تواند به حاکمیت شایستگان و نخبگان منجر شود (سیدباقری، ۱۴۰۰، ص ۳۰۷).

از منظر کارکردی، مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم و اثرگذاری آنان بر سیاست و حکومت، در حوزه‌هایی چون تعیین رهبران و حاکمان، نظارت، نصیحت و بیان حقایق، بازخواست و استیضاح و حتی مخالفت مسالمت‌آمیز متجلی می‌شود (اخترشهر، ۱۳۸۷،

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ص ۷). در همین راستا سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تأکید بر حکمرانی متعالی، تعامل دولت و مردم و تعادل قدرت، اصل «تشکل‌های سیاسی و مردم‌نهاد» و «مردم‌گرایی» (راهبردها، ۴۲) را به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلان و قطعی مطرح کرده است. همچنین بر «ساختارها و سازه‌های دفاعی - امنیتی مردم‌پایه» و «نهادهای سازمان‌های مردم‌پایه انطباق‌پذیر و نوآور» (بخش سیاست و امنیت) و «مردم‌بنیادی» (بخش اقتصاد) تأکید می‌کند؛ اصلی که بر حضور مستمر، آگاهانه و فعال مردم در تمامی مراحل حکمرانی دلالت دارد. براین اساس یکی از مسئولیت‌های بنیادین دولت اسلامی، ایجاد، تسهیل و تقویت بسترهای نهادی و حقوقی مشارکت فعال مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌منظور تحقق حکمرانی مردم‌پایه و پایدار است. در رویکرد حکمرانی اسلامی، مشارکت مردمی فقط به حضور در انتخابات یا حمایت نمادین از نظام محدود نمی‌شود، بلکه شامل نقادی منصفانه، اظهار دیدگاه، مشارکت در تصمیم‌سازی و ارزیابی سیاست‌ها و راهبردهای کلان کشور نیز هست. چنین تعاملی، زمینه تحقق حکمرانی مشارکتی را فراهم می‌آورد؛ چنانکه «سیاست موفق می‌شود که خشونت جسمی را کاملاً از میان بردارد و جای آن را به سایر اشکال مبارزه دهد... دموکراسی می‌خواهد مباحثه را جانشین درگیری و گفتگو را جانشین تنگ و استدلال را جانشین مشت و سرانجام انتخابات را جانشین زور یا اسلحه کند» (دوورژه، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰). مشارکت سیاسی فراگیر و نظارت مردمی در اداره امور کشور، درکنار «تشکل‌های سیاسی ملی کارآمد»، قانون‌مداری و پاسخگویی (بخش سیاست و امنیت)، «تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی» (راهبردها، ۴۰)، «تضمین حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی» و «تضمین حقوق شهروندی» (بخش سیاست و امنیت) و نیز تأمین ثبات، نظم عمومی و امنیت همه‌جانبه (بخش سیاست و امنیت)، از مهم‌ترین الزامات و پیشران‌های تحقق پیشرفت سیاسی در چهارچوب سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به‌شمار می‌آید (بخش سیاست و امنیت). بنابراین تحقق حکمرانی مردم‌پایه، نیازمند مشارکت فعال شهروندان، نظارت مستمر، پاسخگویی دولت و رعایت شایسته‌سالاری و عدالت است تا مشروعیت و کیفیت حکمرانی به‌طور پایدار ارتقا یابد.

نتیجه و ارائه راهبردها

در چهارچوب حکمرانی مردم‌پایه، دولت به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی قدرت در جامعه، دارای ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای است که آن را از دیگر نهادهای اجتماعی متمایز می‌کند. این نهاد، با بهره‌گیری از قدرت، اقتدار و ابزارهای اجرایی، توانایی ساماندهی الگوهای مطلوب حکمرانی و حذف روش‌های ناکارآمد را دارد. اختیارات دولت همچنین امکان شکل‌دهی به گفتمان‌ها و فرهنگ‌های خاص را فراهم می‌کند؛ گفتمان‌هایی که می‌توانند در فرایند اجتماعی به هنجارهای تثبیت‌شده بدل شده و در نهایت در رفتار و کردار شهروندان تجلی یابند (سیدباقری، ۱۳۹۱، ص ۸۷). تحقق کامل اهداف عالی نظام اسلامی و اجرای مؤثر مفاد سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در راه گام دوم انقلاب، نیازمند حرکت فراتر از شعارگرایی و اهتمام مستمر، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری همه ارکان حکمرانی و دولتمردان است. در این چهارچوب، همراهی، مشارکت و نظارت آگاهانه مردم نقشی راهبردی و تعیین‌کننده دارد؛ زیرا پیشرفت سیاسی بدون حضور فعال شهروندان امکان‌پذیر نیست. به‌همین سبب سند الگو بر تحقق پیشرفت در فرایندی آگاهانه و مشارکتی تأکید دارد که ظرفیت‌ها را شکوفا کرده، قابلیت‌ها را ارتقا می‌بخشد و مردم‌سالاری دینی و حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را تضمین می‌کند. این هدف تنها با مشارکت پویا و نظارت چندسطحی شهروندان قابل تحقق است؛ نظارتی که هم در قالب رسمی و نهادی و هم از راه سازوکارهای مردمی و فضای مجازی اعمال می‌شود. نتیجه چنین حکمرانی‌ای، تعمیق عدالت، تحقق آسایش مادی، دستیابی به آرامش اجتماعی، تعالی معنوی و رشد اخلاقی جامعه خواهد بود.

برای تحقق ظرفیت‌های مشارکت سیاسی و نظارت مردمی در جامعه اسلامی، دینداری و پایبندی شهروندان به ارزش‌های الهی به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه لازم است نظام‌ها، ساختارها و مناسبات اجتماعی و نیز عملکرد کارگزاران حکومتی بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی سامان یابد و در تمامی سطوح تصمیم‌گیری، از خرد تا کلان، حاکمیت ارزش‌های الهی و رعایت معیارهای عدالت و تقوا به‌طور مستمر مدنظر قرار گیرد.

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در چهارچوب حکمرانی اسلامی مردم‌پایه و به منظور صیانت و تقویت مردم‌سالاری دینی و شکوفایی ظرفیت‌های آن، راهبردهای زیر قابل طرح و پیگیری است:

الف. آموزش و پرورش تفکر انتقادی

* گنجاندن واحدهای آموزشی تفکر انتقادی و شهروند مسئول در برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها؛

* برگزاری کارگاه‌های تخصصی برای معلمان و استادان با هدف تربیت شهروندان نقاد و مسئول؛

* ترویج جشنواره‌های علمی با محوریت نقد سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی، با ضمانت انتشار نتایج و بازخورد به دولت.

ب. مشارکت سیاسی و اجتماعی هدفمند

* اصلاح قوانین احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد برای تضمین شفافیت مالی، پاسخگویی و مشارکت فعال اعضا؛

* ایجاد سامانه‌های برخط و نهادی برای مشارکت نخبگان و شهروندان در تدوین سیاست‌ها و تصمیمات کلان؛

* تأمین منابع مالی و حقوقی مستقل برای سازمان‌های مردم‌پایه جهت تقویت نقش آنان در حکمرانی.

ج. توسعه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی با ضمانت اجرایی

* تصویب منشور حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی با ضمانت اجرایی قضایی؛

* ایجاد خانه‌های گفتگو و مراکز مشاوره مردمی برای تعامل مستقیم شهروندان با مسئولان؛

* نظارت مستمر نهادهای مستقل بر رعایت هنجارهای اخلاقی و آزادی بیان در فضای عمومی و رسانه‌ها.

د. نظام نقد و ارزیابی علمی سیاست‌ها

* تشکیل شوراهای ارزیابی سیاست‌ها با حضور نخبگان دانشگاهی، کارشناسان مستقل و نمایندگان مردم؛

* انتشار گزارش‌های ارزیابی به صورت عمومی و دسترس‌پذیر برای همه شهروندان؛

* ایجاد سامانه امن برای دریافت پیشنهادها و نقدهای مردمی با تضمین عدم پیگرد قانونی.

ه. اصلاح و شفافیت فرایند انتخابات

- * تشکیل کارگروه‌های مستقل انتخابات با مشارکت دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و نهادهای مدنی؛
 - * طراحی سامانه ارزیابی نامزدها بر اساس معیارهای شفاف، شامل سابقه مدیریتی، سلامت مالی و پایبندی به اصول اسلامی؛
 - * استفاده از فناوری‌های نوین برای تضمین سلامت، شفافیت و دسترسی برابر به فرایند انتخابات.
- و. زیرساخت‌های رسانه‌ای و فضای اطلاع‌رسانی
- * ایجاد و حمایت از رسانه‌های مستقل با هیئت امنای مردمی و نظارت قانونی؛
 - * تصویب قوانین شفاف برای جلوگیری از انحصار رسانه‌ای و تضمین تنوع جریان‌های اطلاع‌رسانی؛
 - * ایجاد سکوه‌های ملی شفافیت برای انتشار داده‌های باز از عملکرد دستگاه‌های دولتی؛
 - * توسعه زیرساخت‌های فضای مجازی امن و پرسرعت برای دسترسی برابر همه شهروندان و حمایت از آزادی بیان با رعایت مصالح عمومی.

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

منابع

۱. اخترشهر، علی (۱۳۸۷). «مشارکت سیاسی و نقش آن در تأمین امنیت ملی». معرفت. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه. ش ۱۳۱. ص ۷۳-۸۶.
۲. رنی، آستین (۱۳۷۴). حکومت، آشنایی با علم سیاست. ترجمه لیلا سازگار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات.
۴. تیجانی، عبدالقادر حامد (۱۴۱۶ق). اصول الفکری سیاسی فی القرآن المکی. عمان: دارالبشیر و التوزیع. الطبعة الاولى.
۵. جزری، ابن الاثیر (۱۳۹۹ق). النهایة فی غریب الحدیث و الاثر. بیروت: المكتبة العلمية.
۶. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۸۵). حقوق جهانی بشر تحقیق و تطبیق در دو نظام؛ اسلام و غرب. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.
۷. جوانمرد، مهدی و همکاران (۱۴۰۴). «شناسایی ابعاد حکمرانی خوب برای سازمان‌های عمومی ایران با رویکرد الگوی اسلامی-ایرانی با استفاده از روش فراترکیب». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ش ۳۳. ص ۲۲۴۲-۲۲۶۸.
۸. حسین پور، بیژن (۱۳۸۳). حاکمان و مردم. قم: خادم‌الرضا. چاپ اول.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در سایت ایشان: Khamenei.ir
۱۰. دلاوری، رضا (۱۳۸۱). «نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن». علوم سیاسی. ش ۱۹. ص ۱۰۳-۱۱۲.
۱۱. موریس، دوورژه (۱۳۷۸). بایسته‌های جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی. تهران: نشر دادگستر.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، لغت‌نامه. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

۱۳. کلمن، دیوید و فرد نیکسون (۱۳۸۷). اقتصادشناسی توسعه نیافتگی. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران: نشر وثقی. چاپ اول.
۱۴. راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. رضایی، حسن و روح‌الله دهقانی و مهرداد کیانپور (۱۳۹۴). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی (دولت معیار). تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۶. زمخشری، أبوالقاسم محمودبن عمروبن أحمد (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۱). اصلاح الگوی مصرف در عرصه سیاسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. سیدباقری، سیدکاظم (۱۴۰۰). آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. سیدباقری، سیدکاظم و سیدمصطفی مرعشی (۱۴۰۳). «نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. سیاست متعالیه. ۱۲ (۱). ص ۱۵۱-۱۶۶.
۲۰. شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). قانون اساسی. تاریخ تصویب: ۱۳۵۸/۱/۱۱.
۲۱. فیرحی، داود (۱۳۸۷). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نشر نی.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۵. نائینی، محمدحسین (۱۳۸۵). تنبیه الامة و تنزیه الملة. تصحیح و تحقیق سیدجواد ورعی. قم: بوستان کتاب.
۲۶. یدالله‌پور، بهروز و سیدرضا مؤدب (۱۳۹۳). «کرامت انسان و الزامات آن از منظر قرآن کریم». مطالعات تفسیری. ش ۱۷. ص ۷۵-۹۵.

مسئولیت‌های دولت اسلامی در تحقق حکمرانی مردم‌پایه با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

27. Weber, Max. (1978). "Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology". Guenther Roth and Claus Wittich, eds, Berkeley: University of California Press. vol. I, pp.102.
28. Malik, Maszlee (2018). Foundations of Islamic Governance, A Southeast Asian Perspective. London: Routledge.